



پیشاً پسا انتخابات آمریکا آغاز سیر فروپاشی "جهان آزاد"

ثریا شهابی

حکمتیست هفتگی ۱۳۶

۷ نوامبر ۲۰۱۶ - ۱۸ آبان ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

گورش - گیت عالیجنابان

فوار عبدللهی

هنوز موضع "درخشان" رهبری حزب کمونیست کارگری در دفاع از عملیات "آزادسازی" موصل به قیمت قتل عام مردم این شهر زیر بمبارانهای فرشی آمریکا و موئتلفین اش خشک نشده بود که دفاع سینه چاک این جریان از تحرکات ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در پاسارگاد هم بدان دوخته شد.

اینها که با پرچم "سرنگونی طلبی" و "ضدیت با رژیم" روزی به فراخوان هخا به خیابانها سرازیر شدند، روزی مدافع الاحواز بودند و روزی بعنوان جناح چپ جنبش سبز وارد میدان کارزار شدند و فوراً هم از دور خارج شدند، کماکان با سو استفاده از نام کمونیسم و کارگر و با پرچم "سرنگونی و سوسیالیسم" وارد مسابقه بر سر تطفهیر آلمان های ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی شده اند.

حمید تقوایی در مصاحبه ای با نشریه انترناسیونال در مورد تحرکات پاسارگاد میگوید: "از نقطه نظر توده مردم معنی و زمینه و انگیزه سیاسی جمععاتی از نوع هفتم آبان اعتراض و ابراز مخالفت با جمهوری اسلامی است و نه دفاع از کوروش و آب و خاک و نیاکان پرستی." و مصطفی صابر نیز در مصاحبه ای تحت عنوان "تظاهرات پاسارگاد و چپ اجتماعی" سنگ تمام را میگذارد: "این حرکتی که در ۷ آبان راه افتاد کار ناسیونالیسم پرو غرب نبود، کار جنبش سرنگونی طلبی است. ناسیونالیسم چتری شده بود برای امنیت سرنگونی طلبی... شرایطی مجاز فراهم شده بود که فوراً دستگیرت نکنند و این ۱۵ تا ۲۰ هزار نفری که بسیج شده بود در واقع جنبش سرنگونی طلبی و ضد جمهوری اسلامی انجام داده بود و این جمعیت را آورده بود."

این دوستان درست مانند حمایت دیروزشان از جنبش سبز، یکبار دیگر خراب کرده اند و افتضاح بالا آورده اند... ص ۴

از چند دهه است که مشغول رژیم چینج در جهان های "غیرآزاد" و صدور دمکراسی و الگوی "جهان آزاد" خود به سایر مناطق "آزاد" نشده است! "شرق" و "جهان های سوم" و جهان "غیرمتمدن" و حکومت های "توتالیتر"ی چون آنچه که در جغرافیاهای تحت حاکمیت صدام ها و قزافی ها و چاوشسکو ها و اسدها برسر کار بود، درد اصلی شان نه فقدان آزادی های سیاسی، که این بود که چنین ستارگان زیبایی، چون ترامپ یا کلینتون در راس آنها نبودند! پرده های ریا و فریبکاری و فاکتور تمکین شهروندان وقتی که کنار میروند، همه امپراطور را عریان می بینند! می بینند که "جهان آزاد" تا خرخره در لجنزار و باطلاق کشتار دستجمعی مردم جهان، تولید نفرت و یاس، استیصال و اسارت، و دروغ و فساد و توطئه های داخلی و بی اختیاری شهروند تحت حاکمیت خودش، در حال فروریختن است. این را خودشان به آن اعتراف می کنند. می گویند همه چیز در آمریکا، این قاره عظیم و بزرگ ترین قدرت اقتصادی و نظامی و سیاسی جهان، ممکن است. از نشستن سیاه پوستی بر مسند رهبری آن، بارک اوباما برده زاده! تا نشستن ترامپ! این مالتی میلیارددر سفید و ماچو ضدخارجی! ... ←

انتخابات آمریکا، پیروزی یکی از دو ستاره از طیف منفورترین نمادهای جامعه و هئیت حاکمه آمریکا، ترامپ یا کلینتون، احتمالاً تا انتشار این مطلب به پایان یا به دور دوم کشیده شده باشد.

بزودی یکی از این دو، یا آقای ترامپ خصلت نمای کامل اخلاق، تمدن و شخصیت و فرهنگ بورژوا آمریکایی، مالتی میلیارد "ردنک" تا مغز استخوان ضد خارجی، گذشته پرست و لمپن، و پسا خانم کلینتون این نماد فساد تاریخی، سمبل میلیتاریسم و نظم نوینی همیشه دست به ماشه آمریکایی، بعنوان انتخاب احسن جامعه آمریکا بر مسند "رهبری جهان آزاد" خواهد نشاند.

پس از این انتخابات تاریخی، تازه آغاز کار دولتی است که تحت رهبری کلینتون یا ترامپ بخواهد بر جامعه آمریکا و بر جهان حکومت که نه، آن را در راستای حفظ وضع موجود حتی اداره کند.

انتخاب رئیس جمهوری آمریکا را، انتخاب رهبر "جهان آزاد" نام گذاشته اند و کسی که بر این کرسی بنشیند را رهبر این جهان! جهانی که در آن دمکراسی پارلمانی و "رای اکثریت" معنی دارد و در این جهان دولت ها "توتالیتر" حاکم نیستند! جهانی که بیش

باید بر دولت تروریست اردوغان افسار زد!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی صفحه ۳

رویای ممنوع میگونوس دوم

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

پیشا "پس انتخابات آمریکا"

این واقعیت، تنها تماسی سطحی با واقعیات مهمتری است. شکست بوش، شکست میلیتاریسم آمریکا در خاورمیانه، به قیمت تخریب عراق و لیبی، عقب نشینی را به بورژوازی آمریکا تحمیل کرد که در دل آن اوپاما بتواند خوش بینی به امکان اصلاح از درون و بازسازی در صفوف بورژوازی آمریکا را احیا کند. این شرایط مادی است که در آن پدیده اوپاما عروج میکند.

هشت سال آمریکای تحت حاکمیت اوپاما، سرخوردگی جامعه آمریکا از برکات رئیس جمهور تحصیل کرده و سیاه پوست، چرخیدن در و دروازه سیاست خارجی و داخلی بر همان پاشنه قبلی، باز فنر را بر سر جای قبلی خود بازگرداند!

باز معلوم شد که بورژوازی آمریکا برای حفظ سیادت سیاسی و اقتصادی خود، راهی جز گسترش میلیتاریسم و تخریب و ناامنی بیشتر بر جهان ندارد. با و بی اوپاما، بورژوازی آمریکا، این رئیس "جهان آزاد" در زمینه الگوی رشد اقتصادی همچنان بی آلترناتیو و بی پاسخ است!

فشار واقعیات سخت، بر متن اعتراض و فشار از پائین، اوپاما را هم به بیرون پرتاب کرد و ترامپ را در مقابل او به میدان آورد. تا جامعه لبریز از خشم و اعتراض و سرخوردگی آمریکا، به رهبری لمپن بورژوازی چون ترامپ، به میدان بیاید.

ترامپ، مالتی میلیارد، سفید، ضد خارجی، در مقام نمایندگی لمپن پرولتاریای جامعه آمریکا، برای انجام همان کاری به میدان آمده است که اوپاما و بوش قادر به انجام آن نشدند. در حالی که جامعه آمریکا به یکی دیگر از ستاره های سنتی و گزینه های ساختاری خود، یعنی خانم کلینتون نه

اعتماد دارد، نه اعتقاد!

در این شرایط است که امتحان کردن سایر گزینه ها، برای هیئت حاکمه سنتی و "استابلیش منت" به منظور در کنترل نگاه داشتن اوضاع، به رسم همیشگی، در دستور قرار گرفت! از جمله امید بستن به "ائتلاف ضد روسی" که قرار است تحت نام "نجات موصل"، به قیمت تخریب کامل آیین شهر مهم عراق و به بهای کشتار جمعی و فراری دادن اکثریت یک میلیون و نیم مردم آن، فرصتی برای بازسازی صفوف خود بیابند! تا داعش را به سوریه و تقابل با روسیه و اسد، با نام جدید منتقل کنند و بعلاوه "پیروزی" بر "داعش" را به نفع، استابلیش منت "جهان آزاد"، ثبت کنند. فرصتی که در ادامه به عکس خود تبدیل شده و خواهد شد و زرادخانه جنبش ساختار شکنی که امروز ترامپ بر آن سرمایه گذاری کرده است، را مسلح تر خواهد کرد.

ترامپ میدانند که موصل نجات شان نخواهد داد! این حربه هم همچون حربه های قبلی در خاورمیانه، تنها و تنها رویارویی با معضلات اصلی را به تعویق می اندازد، به قیمت خانه خرابی و کشتار وسیع تری از مردم خاورمیانه. ترامپ میدانند که اگر اوضاع به درازا بکشد، طبقه کارگر، محکومین که از این همه بی آیدگی و نا امنی و خشم، به مرز انفجار رسیده اند، کار را به سمت دیگری ممکن است یکسره کنند. به زیر کشیدن نظام و جایگزینی آن با نظامی انسانی، در مقابل قرار دادن برتری نظام سوسیالیسم، میتواند یک گزینه واقعی شود!

خطر "دمکراسی" در حال سقوط

نظر سنجی ها برتری کلینتون بر ترامپ را به ۴۵ در مقابل ۴۴ درصد، اعلام کرده اند. تقدس رای و قدرت اکثریت، ترسی را بالای سر جامعه آمریکا زنده

نگاه داشته است! جامعه مخاطرات تقابل "اکثریت و اقلیتی" نه متکی به موقعیت مادی و طبقاتی در جامعه و صفتبندی های واقعی، که متکی به خشم و انزجار از نظام است، را در چهارچوب دمکراسی پارلمانی، احساس میکنند. شکاف و تقابل "اکثریت و اقلیتی" با فاصله یک درصد، قرار است بورژوازی آمریکا را از این مرحله عبور دهد.

نمونه بریتانیا، گویای خطرات "دمکراسی پارلمانی"، خطر تقدس و قدرت و بی قدرتی مطلق "اکثریت و اقلیت" های غیر واقعی و غیر طبقاتی است. بخصوص هنگامی که قدرت از پارلمان و دولت و قوه قضائیه به خیابانها منتقل می شود! همچون دوران عروج فاشیسم در اروپا، ابعاد تخریبی آن میتواند کل جامعه را به ورطه نابودی و عقب گردی قرون وسطایی بکشاند! پژواک فریاد "اکثریت" و "پائین تصمیم میگیریم"ی که امروز در بریتانیا، از کربدورهای قدرت تا در خیابانها به گوش میرسد، فردا بالای سر هر کسی است که پس از انتخابات آمریکا بر مسند ریاست "جهان آزاد" بنشیند!

دولت و مجلس و پارلمان و قوه قضائیه "هیچ کاره است"، قدرت جنبش ساختارشکن و جنبش "تغییر" و "تغییر از پائین"، و کنار زدن نهادهای سنتی قدرت، معلوم میکند که اوضاع به کدام سو می رود! نه احزاب پارلمانی و شخص رئیس جمهور که چپ و راست جامعه، راست افراطی و تهاجمی و چپ مسالمت جو و معترض، نشان میدهد که اوضاع به کدام سو میرود!

خشم اکثریتی که در غیاب به میدان آمدن چپ کمونیست و سوسیالیست، در غیاب به میدان آمدن طبقه کارگر، میتواند اقلیت یک تا ۴۹ درصدی را در خود جوامع غربی، امروز بنام خارجی یا

مسلمان یا اروپای شرقی یا .. فردا بنام حفظ منافع ملی، مورد هر تعرضی قرار دهد.

انتخاب بین هریک از این گزینه های بورژوازی، انتخاب بخش اعظم شهروندان آمریکایی و اروپایی نیست. سپردن سرنوشت جوامع به رهبران سنتی یا گنبدیده ترین و فاسد ترین و اوپاش ترین بخش جامعه، نمی تواند انتخاب هیچ انسان متوسط جهان امروز باشد.

تحریک مردم و به تمکین کشاندن آنها به بهانه "دشمن خارجی" بی مصرف شده است! "دشمنان داخلی" و پاک سازی های داخلی از "اقلیت"، از کمونیسم و سوسیالیسم، از هرکس که رنگ خون ملی و قومی و مذهبی اش متفاوت است، از آزادیخواهی، از رفاه و آزادی های سیاسی و .. در جوامع غربی، تازه شروع شده است. فردای انتخابات آمریکا، تازه شروع کار است! طبقه کارگر در جوامع غربی، در کمین است! هنوز در قامت بخود و بنام خود، ابراز وجود نکرده است! باید این ها را پس بزند! باید پوسته "مسالمت جویی" و دست بردن به ابزار سنتی و "کهنه" دخالت در اوضاع را بشکند! باید بنام خود و برای منافع خود، تعرض کند و به میدان بیاید.

بورژوازی خود در "جهان آزاد" اش، در آمریکا و بریتانیا، فرمان "پارلمان بی پارلمان"، "دولت بی دولت"، "حکومت بی حکومت"، "همه تان دروغ می گویند" و "همه تان سرتاپا فریبکار و مضر به حال جامعه هستید"، را صادر کرده است. طبقه کارگر، محرومین جهان، باید دست به قدرت خود ببرند و اوضاع را به سمت منافع خود، با تعرض خود برگردانند! هیچ کس به اندازه طبقه کارگر آمریکا و بریتانیا، قادر نیست و قادر نبود که اجازه دهد که لمپن پرولتاریا، به رهبری راست افراطی در بریتانیا و آمریکا میدان دار شود یا در گره گاهی از ترس و خوف و نا امنی و استیصال، یکی از تبهکارترین و خطرناک ترین مهره های حاکمیت سنتی آمریکا را بعنوان انتخاب احسن آنها، بالای سرشان قرار دهند.

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

باید بر دولت تروریست اردوغان افسار زد

دولت ترکیه موجی جدید از حملات، خانه گردی و بازداشت فعالین سیاسی و مدنی و مخالفین حزبی را زیر عنوان دهن پر کن "مبارزه با تروریسم" به راه انداخته است. طبق اخبار خبرگزاریها از بامداد امروز جمعه ۴ نوامبر ۲۰۱۶ چندین نفر از رهبران حزب "دمکراتیک خلقها" از جمله "صلاح الدین دمیرتاش" و "فیگن یوکسک داغ" و یازده نفر از نمایندگان این حزب در پارلمان ترکیه دستگیر شده اند. همچنین تا کنون ۱۰ هزار معلم به اتهام ارتباط با "پ ک ک" از کار معلق شده اند. دولت فاشیست اردوغان رسماً اعلام کرده است که کل دستگاه دولتی و کارکنان و کارمندان باید پاکسازی شوند.

موج دستگیری های اخیر دولت اردوغان در ادامه دستگیری و اخراج دهها هزار انسان نه تنها در ارتش بلکه و بعلاوه در ادارات و مراکز دانشگاهی، بیمارستانها، آموزش و پرورش، وکلا و... در این کشور به بهانه کودتای شکست خورده است.

این بار نیز دولت فاشیست اردوغان به عنوان یک پای اصلی تروریسم و ناامنی در ترکیه و خاورمیانه، دولتی که در چند سال گذشته متحد و هم پیمان داعش و دهها گروه جنایتکار و تروریستی دیگر بوده و هست، به نام مبارزه با تروریسم نه تنها به دستگیری مخالفین سیاسی خود که به گسترش ناامنی، خفقان، ارباب و خفه کردن هر صدای مخالفی در کل جامعه ترکیه دست زده است. امروز مردم ترکیه در آتش کودتای اردوغان و دولت فاشیست آن می سوزند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) حملات و تعرض دولت اردوغان به مخالفین و فعالین سیاسی و مدنی در این جامعه و دستگیری رهبران و فعالین حزب "دمکراتیک خلقها" را محکوم میکند و خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان است. ما دولت ترکیه و شخص اردوغان را از عوامل اصلی اشاعه تروریسم در منطقه میدانیم. مبارزه با تروریسم و نجات دادن بشریت از دست توحش جریانات و باندهای تروریستی بدون افسار زدن بر تروریسم دولتی و رسمی و بدون افسار زدن بر دولتهای تروریستی مانند دولت ترکیه مقدور نیست. مبارزه با تروریسم و توحش در منطقه در گرو مقابله همه جانبه بشریت متمدن در کل جهان علیه عوامل اصلی اشاعه تروریسم و از جمله کوتاه کردن دست دولتهای جنایتکار و تروریستی از ترکیه و ایران و عربستان و قطر تا قدرتهای امپریالیستی بزرگ جهان است.

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (خط رسمی)

۴ نوامبر ۲۰۱۶

رویای ممنوع میگونوس دوم

"خط قرمزی و محدودیتی درباره تعقیب دشمنان وجود ندارد و در سرزمینی و هر جایی که آنها را ببینیم، نابودشان می کنیم" از اظهارات اخیر جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، سردار حسین سلامی، به بهانه فعالیت های نظامی حزب دمکرات کردستان ایران.

این مقام نظامی، که بی تردید بدون اجازه مقام معظم، اجازه دهان دردیگی از این دست ندارد، روی قدرت و امنیت نظام، زیادی حساب باز کرده است. تهدید اپوزیسیون به ترور و صدور دستجات ترور خود به خارج از کشور، همچون دستجات آقای رفسنجانی، و تکرار رویای ممنوعه ترور میگونوس و قصابی فرخزاد و بختیار و ترور غلام کشاورز و صدیق کمانگر و... اگر دیروز موجب رعب و وحشتی می شد، امروز تف سریالا به صورت سردار سلامی و مقام معظم و دم و دستگاه اطلاعات شان است. دست بردن به اسلحه برای دفاع از خود و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و در مقابل حکومتی چون جمهوری اسلامی ایران، حق هر شهروندی است. اگر امروز شاهد استفاده این حق توسط شهروندان نیستید، از برکات شکست میلیتاریسم غرب، تخریب کامل خاورمیانه و رواج جنگ شیعه و سنی و عرب و کرد و ترک و عروج داعش، و امنیتی است که سردار اسلامی و مقام معظم و رئیس جمهور و... با استفاده از آن احساس میکنند.

روزی که آریامهر به مخالفین در خروج از کشور و ملک طلق اعلیحضرت را نشان داد، احساس امنیت شاهنشاه از مقام معظم و سردار سپاه، بسیار بیشتر بود و ایران جزیره امن و بهشت سرمایه گذاری. بر روی این روزها زیاد حساب باز نکنید! مراقب صفوف خودتان باشید که فریادهای اعتراف به شکست ایدئولوژیک اسلام در ایران و توبه کردن هایتان، گوش فلک را کرد کرده است.

سردار سلامی، شکر زیادی میل میکند که جرات میکند اپوزیسیون در خارج کشور را به ترور و قصابی و... چون روزهای طلایی امام خمینی شان، تهدید کند. شما مراقب باشید که عمامه ها و ریش و سیبیل های اسلامی تان را موج اسلام گریزی در میان خودتان بریاد ندهد! حربه ارباب شما در ایران شکسته است، خارج کشور پیش کش!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۳ نوامبر ۲۰۱۶

قدرت طبقه کارگر در حزب و تشکل اوست!

کوروش - گیت ...

این داد و هاوار بابت تظهير تحرك ناسیونالیستی پاسارگاد به نام جنبش سرنگونی زیادی شبیه داد و هاواری است که در دفاع از جنبش سبز و "موسوی بهانه است" راه اندخته بودند و میخواستند سوسیالیسم را از تنبان جنبش سبز بیرون بکشند.

این جریان که تا دیروز از باندهای قومی و عشیره ای دست ساز غرب از نوع داعش در سوریه حمایت میکرد و اعلام می کرد پس از بشار اسد نوبت خامنه ای است، امروز باید به جامعه توضیح دهد که چگونه داعیه "آزادسازی موصل از دست داعش" را دارد و پز "ضد داعش" بخود گرفته است!! چگونه به نام چپ و کمونیسم و کارگر به آلترناتیو ارتجاع بورژوا - امپریالیستی در سوریه مهر انقلاب و انقلابیگری زد!! چگونه به تحرك ارتجاعی سبز مهر جنبش توده ای و انقلابی زد!! چگونه به تحركات ناسیونالیستی پاسارگاد مهر "جنبش سرنگونی" می زند!! آخر ناسلامتی قرار نبود "جنبش توده ها" اینچنین ناسیونالیستی بنظر بیاید. قرار نبود "مرزهایشان" اینچنین با جماعت ناسیونالیست "بهم بریزد". این یک افتضاح سیاسی بزرگ دیگر در کارنامه این دوستان به حساب میاید. سازمانی که بخواهد ناسیونالیسم و جنبش ناسیونالیستی را به خوب و بد، مردمی و غیر مردمی، آنهم تحت نام کارگر و کمونیسم تقسیم کند، آشکارا حکم ورشکستگی سیاسی خود را صادر کرده است. این "کوروش - گیت" این حضرات است. خودشان این را فهمیده اند و میخواهند خرابکاری خود را با هیاهو و جار و جنجال ماستمالي کنند، میخواهند عذاب بستر مشترک شان با ناسیونالیست ها را کاهش دهند. می گویند اگر سرکوب رژیم نباشد،

ناسیونالیست ها حق بجانب نمیشوند و پشت "جنبش سرنگونی طلبی مردم" سپر نمیگیرند و لاجرم مرزشان با این دوستان بهم نمیریزد! استدلالی رندانه و البته بی خاصیت. خیال می کنند فرمول مناسب و کارسازی هم یافته اند. ظاهرا در جنبش سرنگونی آقای تقوایی که قرار است روی شانه های طبقه کارگر قدرت بگیرند، هرکس و هر جریانی دست بالا دارد جز کمونیستها و طبقه کارگر. رهبری جنبش سرنگونی آقای تقوایی روزی بدست هخا می افتد، روزی بیبرق سبز "یا حسین میرحسین" را بلند میکند، روز دیگری برای لیبیایزه شدن ایران دست به دامان ناتو میشود و امروز با شعار "ما ایرانی هستیم، عرب نیستیم" عرض اندام میکند. تقوایی و حزیش هم دوان دوان و در تلاش برای بدست گرفتن رهبری این جنبشهای سر تا پا ارتجاعی هر روز به دیروزی یکی از این جریانات سرنگونی طلب می افتند. به همین خاطر است که قباي حزب و سازمان سیاسی به تنش زیاد است. شکی نیست که در غیاب یک کمونیسم اجتماعی قدرتمند هر سنت و سیاست ارتجاعی میتواند روی نفرت مردم از جمهوری اسلامی حساب باز کند و موی دماغ جامعه شود اما قاعدتا کار کمونیستها نه تظهير این سنت های ارتجاعی که نشان دادن هویت آنها، سنگر بستن در مقابل شان و گشودن افق کمونیستی در مقابل جامعه است. این عالیجنابان اما بر متن فقر و فلاکت و ناامنی و استیصال، اینبار مردم را به زیر پرچم کوروش "کبیر" فرا میخوانند. انقلاب کارگری از سر خوشبینی به آینده ای بهتر، از سر امید به پیروزی بر کل ارتجاع و امید به سرنگونی انقلابی دولت حاکم و قدرتگیری مردم و طبقه کارگر شکل میگيرد. نام تحركات ناسیونالیستی و قومی را سرنگونی

طلبی گذاشتن و دخالت مردم و طبقه کارگر و سیاهی لشکر شدن آنها را دخالت "فعال" گذاشتن خدمتی است که این جریان به نام چپ، کارگر و انقلاب به بورژوازی ایران و در راس آن جمهوری اسلامی بعنوان نماینده در قدرت این عظمت طلبی ناسیونالیستی میکند. از اینها بپرسید که چگونه کارگران ذوب آهن، فولاد، عسلویه و ماهشهر، مردم تهران و اصفهان و خوزستان و کردستان و ... در برابر ترس از جنگ های نیابتی و سیاست قومی - مذهبی در خاورمیانه و باد زدن این سیاست بر فضای عمومی جامعه ایران باید از خود دفاع کنند؟ چگونه در مقابل سیل بیکارسازی ها بایستند؟ در مقابل تعرض سیاسی بورژوازی ایران و دولت اش به طبقه کارگر تحت نام "امنیت" و "ایرانیت" چه باید کرد؟ چگونه فضای سنگین تفرقه و شکاف قومی، ملی و جنسی ایجاد شده در صفوف کارگران را باید در هم شکست؟ از اینها بپرسید، چگونه با روحیه محافظه کاری و تسلیم به وضع موجود که خود محصول ترس از بیکاری و عراقیزه شدن جامعه ایران است باید مقابله کرد؟ پاسخ حیرت آور است: "با گسترش تحركاتی از جنس هخا، تحركات قومی دیروز در آذربایجان، حمله نظامی آمریکا، سوار شدن بر قطار جنبش سبز، شرکت در نماز جمعه ها و "کج" کردن مسیر اعتراض مردم به سمت انقلاب سوسیالیستی، و نهایتا جنبش کوروش کبیر گیت شان می شود. از آنجا که این چپ با تحرك هر جنبش ارتجاعی فورا کک به تنبانش می افتد و سابقه درخشانی در انقلابی نامیدن هر جنبش ارتجاعی دارد، طبیعتا حمله نظامی، استیصال جامعه، عروج انواع باندهای قومی، چیزی جز انقلاب مطبوعه این چپ و "چشم انداز تحولات امیدبخش" آن نیست. در تمام اطلاعاتیه

ها و بیانیه های این طیف، ردی از مقابله با عواقب ویران کننده اینگونه تحركات ارتجاعی در ایران و منطقه نمی بینید. برعکس حرف از "تحولات مهم و سرنوشت سازی است که در راه است و انتخاب آلترناتیو حکومتی!" همین چند هفته پیش یک پای شرکت در کنگره "سکولار - دموکراتها" در آلمان بودند. قرار است بر متن تحركات ناسیونالیستی، "سوسیالیسم" آورد! بی خود نیست که هر تلاشی جهت آگاهگری و هشدار به جامعه در مقابل خطر قومی - مذهبی کردن جامعه و در عین حال متشکل شدن و سد بستن در مقابل این فضا، چرت "انقلابیگری" این چپ را پاره می کند و ماهیت راست، ضد کمونیستی و ضد کارگری این طیف را آشکار می سازد. طبقه کارگر و کمونیست ها در ایران باید در مقابل جنبش ناسیونالیستی و تحركاتی که در جامعه دامن می زند بایستند. باید به جامعه راه نشان داد. باید جنبش کمونیستی و طبقه کارگر را پشت خط تولید سازمان داد و به میدان کشید. باید در مقابل فاجعه سنگر بست و بجای همراه شدن با رویدادها این سیر را تغییر داد. انقلاب کارگری با همه خشونت که طبقه حاکم به آن تحمیل میکند با سناریوی خونریزی و جنگ داخلی ماجراجویان سیاسی فرق میکند. اگر کسی بین قیام کارگری با کشتارها و گورهای جمعی و پاکسازی های قومی و قحطی و مرگ و کوچ و اپیدمی ویا فرق نمی بیند، اگر کسی میتواند چشم در چشم مردم بگوید که برای رهایی باید از مسیر دوم عبور کنند، یا سفیه است یا شارلاتان. اینها قطعا به صف دوم تعلق دارند. سرنگونی طلبی و "سوسیالیسم" این حزب بوی عفونت ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، تباهی جامعه، ضدیت با کارگر و انترناسیونالیسم را میدهد.

شماره ۱۳۵ حزب حکمتیست

حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!